

بررسی رابطه بین کنترل اجتماعی و گرایش به سوء مصرف مواد مخدر در جوانان

پرویز جهانگیری^۱

امیرحسین غلامزاده نطنزی^۲

۹۰/۱/۳۵

۹۰/۳/۱

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

اعتیاد یا به تعبیری بهتر سوء مصرف مواد مخدر پدیده ای اجتماعی است که در جهان امروز گریبانگیر بسیاری از جوامع است و آمارهای بسیار زیاد سوء مصرف مواد مخدر و مواد توهم زای شیمیایی، در جهان امروز تصدیقی بر این ادعاست. بنابراین بی ارتباط نخواهد بود اگر بگوییم که سوء مصرف مواد مخدر بیشتر عرصه های زندگی بشر امروز را مورد تهدید جدی قرار داده است. مواردی چون کاهش سن شروع مصرف، بروز بیماریهای خطرناکی نظیر ایدز، ورود مواد صنعتی و آزمایشگاهی (مانند اکس، شیشه و...) و محبوبیت مصرف سیگار و تریاک نزد جوانان، همه مویذ این مطلب است. در این بین افزایش میزان سوء مصرف مواد مخدر در ایران بویژه در سالهای اخیر تبعات و معضلات چندی را برای جامعه امروزی به دنبال داشته است. چرا که این پدیده علاوه بر این که به لحاظ فیزیکی سلامت افراد را تهدید می کند، بلکه ارزشهای فرهنگی جامعه از جمله خانواده، اعتماد، همبستگی، مشارکت اجتماعی و... را نیز به چالش می کشد. در این میان جوانان به عنوان کسانی که در معرض خطر جدی این مواد شناخته می شوند، بیشتر در شهرهای اقماری نزدیک به کلان شهرها زندگی می کنند. از آنجا که درست در کنار تهران به عنوان پایتخت ایران و یکی از کلانشهرهای بزرگ کشور متراکم ترین شهرستان کشور (بنابر اظهار نظر مسئولین)، یعنی اسلامشهر (با تراکم جمعیت ۲۴۷۰ نفر در هر کیلومتر مربع) قرار گرفته و از آنجا که این شهر با جمعیتی نزدیک به هشتصد هزار نفر، یک شهر مهاجرپذیر بوده و بخش قابل توجهی از آن را جوانان تشکیل می دهند و پدیده اعتیاد به عنوان یکی از مهمترین خطرات احتمالی موجود برای جوانان در این شهرستان- با توجه به ویژگیهای جمعیتی آن- به میزان بسیار زیادی قابلیت اشاعه داشته و گریبانگیر جوانان در این شهر است، لذا،

۱- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس

Archive of SID

در این تحقیق بر آن شدیم تا در این خصوص به تحلیل و تبیین عوامل اجتماعی موثر بر گسترش اعتیاد در این شهرستان پرداخته و از این طریق جهت پیشگیری از ابتلای جوانان به این معضل و شناخت نقیصه های موجود، گامی در جهت تسهیلات مربوطه برای مسئولین برداریم. سوال اصلی تحقیق عبارت بوده است از این که چه عواملی می تواند بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر در جامعه موثر باشد؟ برای پاسخگویی به سوال فوق در این بررسی از رویکرد کنترل اجتماعی بهره برده ایم با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران و اطلاعات موجود در مرکز درمان و بازتوانی شهر اسلامشهر با تعداد ۱۰۰ نفر از کلیه جوانان ۱۸-۲۹ سال معتاد که دارای پرونده در این مرکز بودند و ۱۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۲۹ سال که معتاد نبودند را با روش نمونه گیری تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب کردیم. داده های مورد نیاز نیز به کمک پرسشنامه گردآوری شدند. نتایج تحقیق نشان داد که: بین میزان دل بستگی، میزان تعهد، میزان مشارکت، میزان اعتقاد جوانان و اعتیاد آنها رابطه معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی:

سوء مصرف مواد مخدر، جوانان، دل بستگی، تعهد، اعتقاد و باور، مشارکت، کنترل اجتماعی.

مقدمه

انسان کنونی با از دست دادن ارزش های معنوی دچار اضطراب و پریشانی گردیده است و به دنبال یافتن پناهگاه و مایه آرامشی می باشد. از این رو زمانی که اوضاع را بر وفق مراد خود نمی بیند، میزان دل بستگی وی به تفریحات زودگذر افزایش می یابد. تنگناهای زندگی و بیشتر سهل انگاری ها و بی دقتی ها در انتخاب دوستان، از جمله مواردی است که بی شک در تسریع بیشتر اعتیاد به مواد مخدر نقش مهم و بسزایی را ایفا می کنند. مواد مخدر، انسان ها را در عالم خیال سیر می دهد و آنها را از واقعیت های زندگی دور نگه می دارد از این رو کامیابی خیالی و تسکین خاطر موقتی برای کسانی که در صحنه های واقعی زندگی موفقیتی به دست نیاورده اند، می شود. از جهت دیگر، توسعه صنعتی جامعه، فقدان مهارت کافی، کمبود فرصت های شغلی و محرومیت اقتصادی، جوامع را به سمت شهری شدن و مهاجرت از روستاها به شهرها سوق می دهد که مهاجرت ناشی از صنعتی شدن شهرها و ایجاد مراکز بزرگ صنعتی است. مهاجرت افراد از روستاها به شهرهای صنعتی و تمرکز غالب آنها در حاشیه شهرها و تعارض فرهنگی بین آنها و ساکنین اصلی که به نوعی اواخر دوره صنعتی را پشت سر می گذارند و آماده ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات می شوند، وضعیت نوینی را پدید آورده است. بدین ترتیب در شرایطی که جهان امروز عصر صنعتی شدن را پشت سر گذاشته و وارد عصر اطلاعات و ارتباطات شده، بشر هنوز درگیر مبارزه با جرم و جنایت رو به توسعه و در رأس آن هجوم گسترده و خانمان برانداز اعتیاد است. اشاعه مواد مخدر به عنوان یکی از کارسازترین و قدیمی ترین شیوه های استعمارگران و دشمنان بشریت به منظور بازداشتن جوامع انسانی از رشد و تعالی آنها و همچنین غارت هر چه بیشتر و کسب منافع افزونتر بکار برده شده و روز به روز گسترش بیشتری می یابد. بدین ترتیب پیامدهای مخرب اعتیاد بر تمامی کشورها تأثیر گذارده و تغییرات سریع در شرایط اقتصادی، اجتماعی، قابل دسترس بودن مواد مخدر غیر مجاز و تقاضای فزاینده برای آنها، همگی بر حیات روزافزون این مشکل جهانی می افزاید. اما مسأله اعتیاد یا به تعبیری بهتر سوء مصرف مواد مخدر در جهان امروز از جمله مسائل مهم اجتماعی است که در بیشتر کشورها به صورت مشکل عمده ای برای دولت ها جلوه می کند. در حال حاضر، بحران مواد مخدر در کنار سه بحران اصلی دنیا یعنی بحران محیط زیست، بحران تهدید اتمی و بحران فقر به عنوان مسأله روز دنیا در آمده است. در واقع این معضل که امروزه سلامت فردی و اجتماعی میلیون ها نفر را

Archive of SID

به خطر انداخته و ویرانگریهای حاصل از آن زمینه ساز سقوط بسیاری از ارزشها و معیارهای اخلاقی گشته و سلامت جامعه را به مخاطره انداخته، انسان را نسبت به معنویت و فرهنگ اجتماعی بیگانه نموده و موجبات انحطاط و فروپاشی زندگی فردی و اجتماعی و حیات جامعه را فراهم آورده است (ستوده، ۱۳۷۲: ۲۱۶-۲۱۵). متأسفانه دامنه این بحران با توجه به موقعیت خاص کشورمان گریبانگیر ملت ما نیز شده و به یک تهدید ملی تبدیل گشته است. نکته مهم و قابل توجه این است که استعمال روزافزون مواد مخدر مخصوص یکدسته یا عده مخصوص نیست بلکه در تمام گروه‌ها و عموم طبقات مردم کشورهای مختلف در حال پیشرفت است.

طرح مسئله

درواقع اعتیاد به مواد مخدر یکی از پیچیده ترین آسیب های اجتماعی و از مصادیق عمده انحرافات محسوب می شود که می تواند پایه و اساس بسیاری از آسیب ها و معضلات اجتماعی در سطح جامعه گردد. بدین ترتیب در صورت شیوع اعتیاد به مواد مخدر در میان افراد جامعه ای آن هم با ساختار جمعیتی جوان، تباهی، آشفتگی و فروپاشی بنیادهای آن حتمی خواهد بود. از سوی دیگر، پدیدار شدن مواد صنعتی جدید بر آلودگی افراد به ویژه جوانان افزوده است و این زنگ خطر است برای تمام اقشار جامعه. بدین ترتیب با توجه به نکات یاد شده، اعتیاد جوانان به یک مسأله اجتماعی بدل شده است و باعث گردیده تا بسیاری از صاحب نظران حوزه جامعه شناسی و به خصوص آسیب شناسان اجتماعی به گونه ای جدی به این مساله پردازند. در این بین کشور ما ایران نیز از این قاعده کلی استثنا نبوده و مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه گریبانگیر این مسئله است. آمارهایی که در این زمینه به صورت سالیانه منتشر می شوند تنها بخشی از واقعیت را در بردارند، در حالیکه ارقام واقعی با آمارهای رسمی تفاوت زیادی را نشان می دهند. چنانچه ذکرش رفت، ایجاد یک وضعیت نوین در شهرهای اقماری کلانشهرها موجب شده تا مسائل اجتماعی صورتی جدید به خود گرفته و به تبع آن اقشار گوناگونی را در معرض تهدید خود قرار دهند. در این بین جوانان به دلیل وضعیت خاص دوره سنی و ویژگیهای شخصیتیشان، بیشترین میزان آسیب پذیری را دارند. برای مثال تهران در کنار شهرهای حاشیه ای خود نظیر اسلامشهر، شهریار، رباط کریم، ورامین و ... در مقایسه با سه دهه پیش دارای شرایط نوینی شده که

به طور متقابل هم بر اقمار خود تاثیر گذاشته و هم از آنها تاثیر می پذیرد. چرا که تعارض فرهنگی در شهرهای اقماری با مرکز و عدم دلبستگی و کنترل اجتماعی بالا نسبت به مسائل اجتماعی در آنها موجب می شود تا افراد برای دستیابی به اهداف خود به هرگونه اقدامی خلاف هنجارهای اجتماعی دست بزنند. البته این مهم به معنی ضعف کنترل های رسمی نظیر پلیس و ... نیست. بلکه بدین معنی است که کنترل های رسمی تا حد زیادی توسط عوامل اجتماعی تحت تاثیر قرار گرفته و قدرت تاثیرگزاری آن را کاهش می دهد. با توجه به موارد یاد شده تهران به عنوان کلانشهر بزرگ و پایتخت کشور دارای شهرهای اقماری زیادی است که بنابر ویژگیهای خاصشان قابل تامل اند. برای مثال شهر اسلامشهر بیشترین میزان تراکم جمعیت (۲۴۷۰ نفر در هر کیلومتر مربع) را در بین شهرهای کشور به خود اختصاص داده است (www.islamshahr.gov.ir). که این ویژگی با توجه به مسائل یاد شده از اهمیت خاصی به لحاظ آسیبهای اجتماعی برخوردار است. میزان این آسیبها با توجه به آمار ۷۸ درصدی معتادان زیر ۳۰ سال (www.mehrnews.ir) در این شهر، موجب شد تا اعتیاد به عنوان یک مسئله اجتماعی در این شهر مورد بررسی قرار گیرد.

چنانچه بدان اشاره خواهد شد، در این مقاله اعتیاد بر طبق تعاریف مختلف (مرتون، ۱۳۷۶: ۱۹، صدیق سروستانی، ۱۳۸۲، معید فر، ۱۳۷۹ و جلانی پور، ۱۳۸۲، صدیق سروستانی، ۱۳۸۲، ستوده، ۱۳۷۴)، یک مسئله اجتماعی است. با توجه به این تعاریف و وضعیت جمعیتی کشور، به خصوص پایتخت و شهر مورد نظر یعنی اسلامشهر، یک موضوع ویژه هم وجود دارد که اذهان عمومی و نیز نگاه پژوهشگران و متخصصین را معطوف به خود ساخته است و آن عوامل موثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر است. به هر ترتیب، موارد فوق ذهن را متوجه این سوال می کند که به راستی چه عواملی بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر در جامعه موثر است؟

درواقع با پاسخگویی به این سوال می توان تا حدی ریشه های اجتماعی اعتیاد را شناسایی و در نهایت راهکارهایی جهت حل آن ارائه داد. از آنجا که آمار رسمی (حدود دو میلیون نفر) (صفاتیان، ۱۳۸۷) با تعداد معتادان واقعی (حدود شش میلیون نفر) تفاوت قابل ملاحظه ای را نشان می دهد، لذا شایسته است تا به این موضوع در قالب و چارچوبی دقیق و علمی نگریسته شود. البته هرچند ممکن است دلیل عدم موفقیت در برآورد تعداد واقعی معتادان، جرم بودن اعتیاد و یا وجود پاره ای از عوامل فرهنگی در ایران باشد (رفوفی، ۱۳۷۸: ۶-۵)، اما با توجه به

همه موارد فوق می توان حدس زد که اعتیاد نیز به مانند سایر مسائل موجود در جامعه، دلایل زیادی دارد که از این بین به دلیل اهمیت عوامل اجتماعی، مسئله از این دید و با هدف تأثیر متغیر پیوند (کنترل) اجتماعی بر روی اعتیاد جوانان، مورد بررسی قرار می گیرد.

ضرورت و اهمیت مسئله

آنچه که بر اهمیت این مسئله افزوده، این است که سوء مصرف مواد مخدر؛ افراد یک جامعه مخصوصاً جوانان را آسیب پذیر می سازد و از نظر روانی آنها را دچار اختلالات رفتاری ساخته و از لحاظ اجتماعی آثار نامطلوبی مانند پایین آمدن کارآیی و خلاقیت آنها را به دنبال دارد. علاوه بر این، اعتیاد نه تنها وضعیت فردی و اجتماعی فرد معتاد را به خطر می اندازد، بلکه وضعیت و پایگاه اجتماعی خانواده و افرادی را که از او نگهداری می کنند را نیز، به خطر می اندازد. که این خود جای هیچگونه تسامحی را باقی نگذاشته و ضرورت تحقیقات اجتماعی را آشکار می سازد. مضاف بر این امر تعاملات فرهنگی که بین شهرها وجود دارد، مسئله ای است که نباید از نظر دور بماند. چرا که چنانچه پیشتر نیز به آن اشاره شد، عدم کنترل بر اشاعه اعتیاد مضرات زیادی را برای جامعه ایجاد خواهد کرد که برای جبران آنها هزینه های مادی و معنوی بالایی را در بلند مدت در درجه نخست برای شهروندان و در مرحله بعد برای نهادهای رسمی دولتی از جمله پلیس ایجاد خواهد کرد. لذا شایسته است تا برای پیشگیری از پرداخت چنین هزینه هایی، در گام اول ریشه های اصلی چنین معضلی شناخته شده و در مراحل بعد برای مرتفع کردن آن اقدامات لازم را با توجه به وضعیت خاص جامعه انجام داد.

هدف تحقیق

هدف اصلی در این تحقیق بررسی و شناخت عوامل اجتماعی موثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر در شهر اسلامشهر.

مبانی نظری

درخصوص مسئله تحقیق و دلایل گرایش به اعتیاد و کجرفتاری اجتماعی می توان به نظریات مختلفی اشاره داشت. مثلاً دورکیم بر این باور است که هرگاه وضعیت هنجارهای

اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند، در آن صورت کجرفتاری اجتماعی پدید خواهد آمد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۰-۷۹). در واقع وی معتقد است که مجرم و جرم حاصل بی هنجاری است و کجروی را به بی‌سازمانی اجتماعی مربوط می‌کند (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷-۱۶۶) و یا رابرت مرتن با بسط مفهوم آنومی دورکیم آنرا برای تبیین رفتار انحرافی به کار می‌برد. او نیز مانند دورکیم از دیدگاه کارکردگرایی به مسئله نگریسته و انحراف را نتیجه تعادل در نظام اجتماعی می‌داند. از نظر وی همچنانکه ساختارها یا نهادها می‌توانند به حفظ بخشهای دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می‌توانند برای آنها پیامدهای منفی نیز داشته باشند و به نوعی نابسامانی را در جامعه بوجود آورند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۶). او نابسامانی را به عدم تعادل بین اهداف تأیید شده اجتماعی و وسایل مورد نیاز برای نیل به آنها نسبت می‌دهد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۷۲). در واقع این عدم تطابق زمانی ظاهر می‌شود که تاکیدی ناموزون بر اهداف یا ابزار و یا شیوه‌های دستیابی به هدف قرار گیرد. گاهی تأکید بر اهداف در مقایسه با تأکید بر شیوه‌های نهادی شده دستیابی به آن بسیار قویتر است. مورد دیگر در میان افرادی دیده می‌شود که فعالیت‌هایی که در راستای دستیابی به هدف هستند به خودی خود معنا پیدا می‌کنند. به طوری که هدف اصلی فراموش می‌شود و پیروی از شیوه‌های نهادی شده جنبه شعاعی پیدا می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۵: ۶۵). از دید مرتون علت جرم در درون افراد که اشتهای سیری ناپذیرشان باید به وسیله کنترل‌های قوی هنجاری محافظت شود، وجود ندارد و باید آن را در تناقضات ساختار اجتماعی - فرهنگی جستجو کرد.

به همین دلیل ساترلند جرم را به آنچه تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. مفهوم تفاوت ارتباطات این است که در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون و متعددی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتیکه محیط‌های دیگر چنین نیستند، افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثر رفتارهای بزهکارانه درون گروه‌های نخستین به ویژه گروه همسالان فرا گرفته می‌شود (ساترلند و کرسی، ۱۹۵۵: ۷۷-۷۶). ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین پیروی کنند به همان شیوه یاد می‌گیرند که کجرفتار شوند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۶).

اما رویکردی که در اینجا مدنظر است، رویکرد پیوند اجتماعی است. در رویکرد پیوند اجتماعی بر خلاف تبیین‌های دیگر تمایلی برای یافتن انگیزه‌ها و علل کجرفتاری وجود

Archive of SID

ندارد و عمدتاً به موقعیتی توجه می شود که در آن افراد برای انجام این گونه رفتارها آزادی بیشتری بدست می آورند. به بیان دیگر این نحوه تبیین، وقوع کجروی را برحسب وجود ضعف در فرایند پیوند اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی می داند.

اساس این نظریه بر حول این محور است که انسان موجودی است که دارای امیال سیری ناپذیر و نامتناهی است و از این منظر به دیدگاه دورکیم و هابز نزدیک است. از دیدگاه جامعه شناسان، مردم از قوانین و هنجارهای اجتماعی پیروی می کنند مگر اینکه تحت تاثیر معاشرت، قرار گرفتن در محیط نامناسب اجتماعی، یا حتی تحت تاثیر نظارت اجتماعی، کجرفتار شوند. این دیدگاه بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند و نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد؟ درواقع رفتار بهنجار یا نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه ای سعی می کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. موضوع مورد نظر این تئوری این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می گردد یا به عبارت دیگر به جای اینکه پیرسیم چرا کجروی واقع شده است باید سوال کنیم که چرا همه مردم هنجارشکنی نمی کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۱۹). به عبارت دیگر چرا تنها عده کمی از مردم درگیر رفتارهای کجروی از قبیل جرم و مصرف مواد مخدر می شوند؟ از اینرو، هیرشی که یکی از صاحب نظران این نوع تبیین از کجرفتاری است، فرض را بر قطعی بودن تحقق کجروی در جامعه می گذارد؛ و به ریشه یابی وقوع همنوایی در جامعه می پردازد. نتیجه ای که وی از تحلیل خویش می گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی های متقابل و قوی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۰۱). برای مثال، او بر آن است که:

هرچه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقمند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیتهای مقبول اجتماعی می شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان بینی مرسوم و مظلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر ممکن است کجرو و مجرم شوند (هلاکویی، ۱۳۵۶: ۲۱۸).

وی بر این عقیده است که انحراف زمانی حادث می شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شده یا از هم گسیخته باشد. در تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که

مهمترین متغیر در همنوا بودن یا همنوا نبودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قوی تری داشته باشند بهتر قادر به اعمال کنترل و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها انسجام استواری وجود نداشته باشد. به زعم هیرشی پیدایش کجروی معلول ضعف همبستگی در گروهها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه است و در این خصوص چهار عنصر زیر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر متغیر کنترل کننده رفتار معرفی می کند:

• دلبستگی

بنابر گفته دورکیم، ما تازمانی موجودات اخلاقی هستیم که بتوانیم موجودات اجتماعی باشیم. بدین ترتیب اخلاقی بودن به معنای درونی ساختن هنجارهای جامعه است. به تعبیری، هنجارها شیوه های پذیرفته شده رفتار نزد مردم یک جامعه هستند. هنجارشکنی عملی بر خلاف شیوه های پذیرفته شده است. اگر فردی به تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد، یعنی نسبت به نظریات و عقاید آنها بی تفاوت باشد در آن صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده و خود را آزاد می بیند که مرتکب انحراف شود. بنابراین از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. این عنصر به نوعی نشان دهنده میزان وابستگی و دلبستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هیرشی کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند آسایش خاطر آنان را در نظر می گیرند و سعی می کنند انتظارات آنان را برآورده سازند و اگر فردی نسبت به این تمایلات بی تفاوت باشد در این صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده و خود را آزاد می بیند که مرتکب انحراف شود.

در اینجا مفهوم وجدان به شکل یک عامل مستقل مطرح نمی شود، بلکه آنچه اهمیت دارد رابطه اجتماعی فرد است. برای مثال فرد مجرد بیشتر امکان دارد که دزدی یا خودکشی کند، در حالیکه فرد متأهل به علت وابستگی اجتماعی بیشتری که دارد کمتر امکان دارد مرتکب کج رفتاری شود. بنابراین وابستگی به دیگران یکی از متغیرهای مهم در کنترل رفتار است. به طوری که به علت وابستگی اجتماعی این احساس در فرد به وجود می آید که به انتظارات و خواسته های دیگران پاسخ دهد. بیشتر افراد سعی می کنند که آسیبی به خویشاوندان خود وارد نسازند. یعنی رفتار آنها باعث ناراحتی و شرمندگی اقوامشان نشود.

با داشتن این احساس افراد وابسته و محدود می شوند و کمتر خود را آزاد و رها می بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. بنابراین وابستگی به دیگران بعد جامعه شناختی وجدان در روان شناسی است (ممتاز: ۱۳۸۵؛ ۱۲۱).

• تعهد

از نقطه نظر هیرشی، تعهد نیز بعد جامعه شناختی مفهوم خود در روان شناسی است. به این معنی که ما وقت و انرژی در راه دستیابی به اهدافی مانند تحصیل، کار و داشتن شهرت خوب در میان دیگران صرف می کنیم. فردی که به فعالیتهای متعارف در زندگی روزمره متعهد باشد به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود بدست آورده کجرفتاری نمی کند و خود را به خطر نمی اندازد. بیشتر افراد می خواهند شهرت خوب و آینده خوب داشته باشند و برای این منظور شیوه زندگی متعارف را دنبال می کنند. شیوه زندگی که در چارچوب آن فرد به هنجارهای اجتماعی متعهد می شود. از دیدگاه نظریه نظارت اجتماعی عمل کننده، هزینه ها و منافع ناشی از هر عمل خود را می سنجد و بر آن اساس انتخاب می کند. حال اگر هزینه کجرفتاری سنگین باشد فرد کوشش می کند تا از آن اجتناب کند. برای مثال یک فرد معمولی برای بدست آوردن اشیاء و کالاهای مورد نیاز خود کار می کند. زیرا اگر مرتکب دزدی شود موقعیت خود را شدیداً به خطر انداخته است و هزینه ای که در صورت فاش شدن عمل خلاف باید پردازد سنگین است. به این دلیل افراد متعهد که دارای موقعیت مستحکمی در جامعه هستند حتی الامکان از هنجارشکنی دوری می جویند. در مقابل کسی کجرفتاری می کند که چیزی ندارد که از دست دهد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۲). در واقع عنصر تعهد بیانگر میزان پذیرش اهداف جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه احساس می کند. طبق تئوری هیرشی کسانی که در محیط های تحصیلی، شغلی و خانه سرمایه گذاری کرده باشند دلیل بیشتری خواهند داشت تا برای حفظ دستاوردهای خود همونا باشند.

• مشارکت و درگیری

بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می شود. افراد بیکار و بیهوده

وقت بیشتری برای هنجار شکنی دارند در حالیکه کسی که کار می کند خانواده ای تشکیل داده و سعی می کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارد. به همین دلیل بیشتر جرم شناسان معتقدند که افزایش سالهای تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کجرفتاری در میان نوجوانان می گردد. به طور خلاصه، این عنصر به نوعی بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی است. افرادی که در زندگی روزمره خود بیشتر درگیرند کمتر فرصتی برای انحراف دارند، برعکس کسانی که در فعالیت های متعارف جامعه مشارکت ندارند فرصت و آزادی عمل بیشتری برای ارتکاب اعمال انحرافی می یابند (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

• باور و اعتقاد

هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در فرد ضعیفتر باشد بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. بنابراین انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می شود. فردی که خود را تحت تاثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند هیچ وظیفه اخلاقی برای همنا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی گیرد. هیرشی معتقد است که تنوع میزان اعتقاد به هنجارها و قوانین را می توان از نظر تجربی سنجید. به همین دلیل انحراف از نظر او تحت تاثیر اعتقادات بر خلاف اخلاق معمول در جامعه واقع می شود. هیرشی اضافه می کند که معتقد نیست افراد کجرو از اعتقادات اجتماعی معمول بی اطلاع هستند، اما مسئله میزان قوت و ضعف این اعتقادات، و رابطه آن با معنی این اعمال نزد افراد کجرو است. در نتیجه هرچه افراد کمتر اعتقاد داشته باشند که باید از هنجارها و قوانین پیروی کنند بیشتر احتمال دارد که منحرف شوند. از اینرو این متغیر بیانگر میزان پایبندی و اعتقاد فرد به قواعد اخلاقی، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و وفاداری به آنهاست. بنابراین هر چه اعتقاد فرد ضعیف تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که مرتکب اعمال انحرافی شود (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۳).

هیرشی معتقد است که اجزا تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد زیر است:

- ارتباط با سایر افراد؛
- پذیرش و مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی که نتایجی برای آینده دارد و
- اعتقاد به ارزش های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن.

او می گوید هر کدام از موارد سه گانه فوق الذکر در هر مورد خاص می تواند موجب همنوایی و نیز علت ناهمنوایی و کجروی باشد (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۹).

هیرشی اثرات وابستگی به پدر و مادر، مدرسه و همسالان را بر اعمال بزهکارانه تحلیل کرده است و معتقد است که صرف نظر از نژاد یا طبقه پسرانی که وابستگی نزدیک تری به پدر و مادر خود دارند احتمال کمتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه ارتكابی را گزارش دهند تا آنهایی که وابستگی کمتری دارند. او همچنین دریافت که جوانان بزهکار احتمال بیشتری وجود دارد که در مدرسه نمره ای پایین بیاورند، علاقه کمتری به عقاید معلمان داشته باشند، از مدرسه متنفر باشند و اقتدار مدرسه را نپذیرند (ولد و سایرین، ۱۳۸۰: ۲۸). همچنین جوانانی که کار می کنند، عشق بازی می کنند، وقت خود را به تماشای تلویزیون می گذرانند، کتاب می خوانند یا بازی می کنند احتمال بیشتری هست که بزهکاری را گزارش دهند (همان: ۲۸۶).

چارچوب نظری

آنچه در نظریه ها و تحقیقات مربوط به رفتارهای انحرافی مهم است، درک بهتر از چگونگی دوام و استمرار رفتار بزهکارانه در دوره کوتاهی از زمان یا برای همیشه است. به طور کلی از بین نظریه هایی که برای تحلیل انحراف اجتماعی (اعتیاد جوانان) مطرح شد (نظریه رابرت مرتون، نظریه پیوند افتراقی ساترلند و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی)، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی برای تحلیل این وضعیت انتخاب گردید. در این مرحله سعی بر آن است که براساس مطالب مطرح شده، چارچوب تئوریکي ارائه شود تا بهتر بتوان عوامل مؤثر بر اعتیاد جوانان را در جامعه مورد مطالعه تبیین کرد. بدین منظور برحسب موقعیت جامعه مورد مطالعه برای تبیین اعتیاد جوانان، از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، به دلیل اینکه اجزای درونی آن جهت تبیین اعتیاد جوانان از قدرت و قابلیت بیشتری برخوردار می باشد، استفاده شده است. بر طبق نظریه فوق پیوند اجتماعی با میزان اعتیاد جوانان رابطه معکوس دارد. لذا گرایش به اعتیاد و رفتار انحرافی در بین جوانان هنگامی به وجود می آید که:

- ۱- پیوند اجتماعی در بین جوانان ضعیف شده باشد.
- ۲- هریک از عناصر پیوند اجتماعی (دلبستگی، تعهد، مشارکت و درگیری و اعتقاد) به مراتب تضعیف شده باشد. یعنی بر طبق نظریه پیوند اجتماعی هیرشی جوانانی که نسبت به

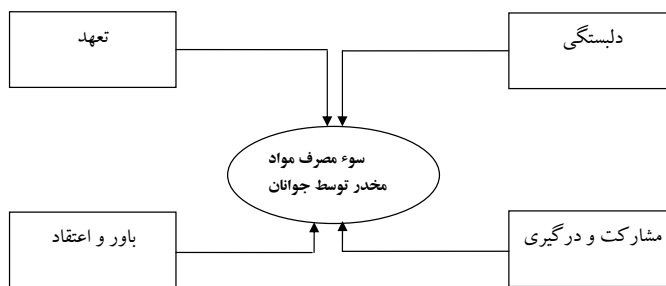
دیگران بی تفاوت بوده و اهداف جامعه را کمتر پذیرا باشند و علاوه بر آن مشارکت و درگیری آنها در نقش و فعالیت های اجتماعی کمتر باشد و اعتقادات و باورهای آنها نیز ضعیف باشد احتمال اینکه به اعمال انحرافی مانند اعتیاد روی بیاورند بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب و با توجه به مسئله و چارچوب نظری تحقیق می توان اذعان داشت که احتمالاً بین پیوند اجتماعی و گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. لذا پژوهش پیش رو برای پاسخگویی به مسئله تحقیق به بررسی این فرضیه می پردازد.

فرضیه اصلی

بین پیوند اجتماعی و گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.

فرضیات جزئی:

- بین میزان دلبستگی جوانان و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.
- بین میزان تعهد جوانان و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت و درگیری جوانان و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.
- بین میزان باور و اعتقاد جوانان و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.



تعریف مفاهیم

در این بخش مختصراً به تعریف مفاهیم محوری مقاله می پردازیم. چنانچه پیشتر اشاره شد، هدف این مقاله بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سوء استفاده از مواد مخدر توسط جوانان با استفاده از رویکرد پیوند اجتماعی می باشد. در این جا مفهوم سوء مصرف به عنوان متغیر وابسته تحقیق شناخته می شود که به شرح مختصری از آن می پردازیم.

اساساً این مفهوم به معنای پاسخ فیزیولوژیک بدن است به مصرف مکرر مواد اعتیاد آور. این وابستگی از طرفی باعث تسکین و آرامش موقت و گاهی تحریک و نشاط گذرا برای

Archive of SID

فرد می‌گردد و از طرف دیگر بعد از اتمام این اثرات سبب جستجوی فرد برای یافتن مجدد ماده و وابستگی مداوم به آن می‌شود. در این حالت فرد هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روانی به ماده مخدر وابستگی پیدا می‌کند و مجبور است به تدریج مقدار ماده مصرفی را افزایش دهد و نسبت به آداب و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی خود بی تفاوت می‌شود (www.irib.ir). برای مشخص کردن فرد معتاد می‌توان شاخص‌های گوناگونی را در نظر گرفت.

بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی فرد مبتلا به اعتیاد کسی است که داری مشخصات چهارگانه زیر است:

- در اثر مصرف مکرر مواد یا دارو، عادت روانی ایجاد می‌شود و این عادت فرد را به علت نیاز و تمایل روانی به سوی مواد مخدر یا دارو به حد وسواس تشویق و ترغیب نماید.
- برای نگهداری اثری که منظور و مطلوب معتاد است، تعداد مواد مصرفی رو به افزایش می‌رود.

- در اثر قطع مواد مخدر یا دارو، علائم خاصی در معتاد ظاهر می‌گردد که آن علائم به نوع مواد مخدر یا داروی مصرفی بستگی دارد.

- اعتیاد به مواد مخدر یا دارو برای فرد یا جامعه زیان آور باشد (www.forum.banianejavan.ir)

اما شاخص‌های اعتیاد به شرح زیر مدنظر قرار گرفتند:

۱- نوع مواد مخدر مورد مصرف شامل دو دسته صنعتی (شامل کراک، شیشه و ...) و غیر صنعتی (که شامل تریاک و مشتقات آن نظیر هروئین و ...) است.

۲- میزان استفاده از مواد مخدر در طول یک هفته و

۳- تعدد دفعات استفاده از ماده مزبور در طول یک روز.

از منظر تعریف مفاهیم برای متغیرهای مستقل تحقیق، این متغیرها چنانچه بدان اشاره شد خود به ۴ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱- دلبستگی^۱

دلبستگی خود شامل سه دسته از قبیل: دلبستگی به افراد، دلبستگی به نهادهای اجتماعی و جامعه و دلبستگی محل سکونت است. برای بررسی آن به طور عملی مفاهیم ذیل مورد

سنجش قرار گرفتند:

- میزان علاقه به مفاهیمی چون خانواده، اقوام، دوستان و قوانین جامعه؛
- میزان علاقه و احترام به نهادهای اجتماعی چون مدرسه، دانشگاه، نیروی انتظامی، قوه قضائیه و ...
- میزان علاقه به محل سکونت (محل، روستا، شهر و کشور).

۲- تعهد^۱

- میزان اهمیت برای تحصیل علم و دانش؛
- میزان فعالیت برای داشتن شغل مناسب؛
- عضویت در گروههای خیریه و عام المنفعه و تلاش برای کسب اعتبار و شهرت خوب در بین افراد جامعه و
- رعایت هنجارها و حقوق فردی و اجتماعی سایرین.

۳- مشارکت و درگیری^۲

- میزان ساعات کار در طول یک روز؛
- میزان صرف وقت به همراه خانواده؛
- میزان صرف وقت برای فعالیتهای فوق برنامه نظیر ورزش، تفریح، شرکت در مراسم و انجام امور خیریه، شرکت در کلاسهای آموزشی و ...

۴- باور و اعتقاد^۳

- ارتباط با سایر افراد به خصوص میزان ارتباط با اشخاص مهم و برجسته؛
- پذیرش و مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی که نتایجی برای آینده دارد و
- اعتقاد به ارزش های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن.

1- commitment
2- involvement
3- belief

در این تحقیق، با توجه به هدف پژوهش و ماهیت داده های مورد نیاز، از روش پیمایش استفاده شده و اطلاعات میدانی مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه به دست آمده است. برای جمع آوری اطلاعات در خصوص اعتیاد به مواد مخدر، کلیه سوالات مربوط به متغیرهای پیوند اجتماعی با طیف لیکرت در سطح سنجش ترتیبی است که در نهایت با جمع آنها به یک متغیر فاصله ای تبدیل می شود.

در این تحقیق پرسشنامه نیز به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات و طیف لیکرت به عنوان مقیاس سنجش مورد استفاده قرار گرفت. نمونه های تحقیق بر اساس داده های آماری که توسط سایت مرکز آمار در اختیار محقق قرار گرفت، انتخاب شده است. طبق این داده ها جمعیت کل جوانان ۱۸-۲۹ سال در شهر تهران ۲۲۷۰۴ نفر بوده است که تعداد ۲۰۰ نفر از آنان به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده اند. که این نمونه شامل ۲۰۰ نفر از جوانان (مذکر ۲۹-۱۸) سال می باشد که ۱۰۰ نفر از آنها جوانان دارای پرونده در مرکز درمان و بازتوانی شهرستان اسلامشهر بودند و ۱۰۰ نفر دیگر را جوانانی که مبتلا به اعتیاد نیستند، تشکیل می دهند که بر اساس نمونه گیری تصادفی و بر اساس متغیرهای سن وضعیت تأهل، محل سکونت، وضعیت مسکن، تحصیلات و شغل همگن شده اند. پایایی (Reliability) ابزار با آلفای کرونباخ بررسی شد که در سطح قابل قبولی مورد ارزیابی واقع شد. در اعتبارسنجی از روش اعتبار صوری استفاده شده و واحد تحلیل در این پژوهش فرد می باشد. در تحلیل داده ها نیز با توجه به ماهیت متغیرها که در سطح ترتیبی و اسمی مورد سنجش قرار گرفته اند، از آزمون X^2 برای تحلیل روابط بین متغیرها استفاده شده است.

یافته ها

برای ارائه نتایج مطالعه، ابتدا ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی جمعیت نمونه و متغیرهای مورد بررسی توصیف می شوند و پس از آن مهمترین نتایج پژوهش و تحلیل داده ها در چهار سطح پیوند اجتماعی ارائه می شود.

ویژگیهای جمعیتی - اقتصادی و اجتماعی

بر اساس اطلاعات بدست آمده ۲۰ درصد مبتلایان به سوء مصرف مواد مخدر در گروه www.SID.ir

سنی ۱۸-۲۱ سال، ۳۶ درصد از آنها در گروه سنی ۲۵-۲۲ سال و ۴۴ درصد از آنها نیز در گروه سنی ۲۹-۲۶ سال بودند. همچنین ۲۲ درصد از جوانان غیر معتاد در گروه سنی ۲۱-۱۸ سال، ۳۵ درصد از آنها در گروه سنی ۲۵-۲۲ سال و ۴۳ درصد از آنها نیز در گروه سنی ۲۹-۲۶ سال بودند.

به همین ترتیب ۶۲ درصد از این جوانان مجرد، ۳۲ درصد شان متأهل و ۶ درصد از آنها طلاق گرفته بودند، و نیز ۵۸ درصد از جوانان غیر مبتلا به اعتیاد مجرد، ۴۰ درصدشان متأهل و ۲ درصدشان نیز طلاق گرفته بودند. از لحاظ وضعیت اشتغال ۲۶ درصد جوانان مبتلا شاغل و ۷۴ درصدشان بیکار بودند و ۳۲ درصد از جوانان غیر مبتلا شاغل و ۶۸ درصد از آنها بیکار بودند.

در رابطه با تحصیلات پدر پاسخگویان، اطلاعات بدست آمده حاکی از این است که میزان تحصیلات پدر پاسخگویان جوانان مبتلا به اعتیاد به مراتب کمتر از گروه جوانان غیر مبتلا است. به گونه ای که در مورد جوانان غیر مبتلا هیچ یک از پدران بیسواد نبوده اند، و نزدیک ۲۷ درصدشان تحصیلات دانشگاهی هستند. این در حالی است که ۱۹ درصد پدران مبتلایان بیسواد و تنها ۳ درصدشان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. بطور کلی پدر ۹/۵ درصد پاسخگویان بیسواد، ۲۰ درصد در سطح ابتدایی، ۲۸ درصد در سطح راهنمایی و متوسطه، ۲۷/۵ درصد دیپلم، ۱۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

تحصیلات مادر پاسخگویان غیر مبتلا نیز بیشتر از جوانان مبتلا بوده است. میزان تحصیلات همه مادران جوانان غیر مبتلا بجز ۱۰ مورد بیسواد، ۲۵ درصدشان راهنمایی، ۱۱ درصدشان متوسطه و ۳۷ درصد دیپلم و ۲۱ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی (کاردانی، لیسانس و فوق لیسانس) بوده اند. این در حالی است که ۲۷ درصد مادران پاسخگویان مبتلا بیسواد، ۵۶ درصد دارای مدرک ابتدایی، ۹ درصد نیز راهنمایی و متوسطه و ۵ درصد دیپلم دارند و تنها ۳ درصدشان دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر از آن هستند. بطور کلی ۱۸/۵ درصد مادران پاسخگویان بیسواد، ۲۸ درصد در سطح ابتدایی، ۱۳/۵ درصد در سطح راهنمایی ۹ درصد متوسطه، ۲۱ درصد دیپلم، ۱۲ درصد در سطح دانشگاهی سواد داشته اند.

میانگین درآمد ماهیانه پدران در این تحقیق در حدود ۵۴۰۰۰۰ تومان است. حداقل میزان درآمد ماهیانه پدران ۱۸۰ هزار تومان و حداکثر ۲ میلیون تومان می باشد. همچنین میانه درآمد پدران برابر ۴۵۰ هزار تومان می باشد که نشان می دهد ۵۰ درصد پدران زیر ۴۵۰ هزار تومان و

۵۰ درصد آنها بالای ۴۵۰ هزار تومان درآمد ماهیانه دارند. بطور کلی درآمد ماهیانه ۳۲ درصد پدران پاسخگویان تا ۲۵۰ هزار تومان، ۲۴/۶ درصد ۲۵۱ هزار تا ۳۵۰ هزار تومان، ۱۷/۱ درصد ۳۵۱ هزار تا ۵۰۰ تومان است و ۲۶/۳ درصدشان بیش از ۵۰۰ تومان درآمد داشته اند.

آزمون فرضیه ها و تجزیه و تحلیل داده ها

تحلیل روابط بین متغیر پیوند اجتماعی و اعتیاد جوانان

• فرضیه اصلی: بین پیوند اجتماعی و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. با عنایت به متغیر پیوند اجتماعی، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر پیوند اجتماعی و سوء مصرف مواد مخدر وجود دارد (جدول ۱). براساس فرضیه اول، متغیر پیوند اجتماعی (کنترل اجتماعی) پاسخگویان با ۱۵ گویه ای که در طیف لیکرت طراحی شده بودند سنجیده شد. از آنجا که متغیر پیوند اجتماعی در سطح سنجش ترتیبی و متغیر سوء مصرف مواد مخدر در سطح سنجش اسمی است لذا بهترین آماره برای وجود ارتباط بین این دو، آماره کی دو است. بدین ترتیب مجموع نمرات پاسخگویان به این ۱۵ گویه به عنوان میزان پیوند اجتماعی آنان در نظر گرفته شد. براساس اطلاعات جدول شماره ۱، می‌توان گفت که از مجموع جوانان مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر: ۶۰ درصد از پیوند اجتماعی پایین، ۳۰ درصد از پیوند اجتماعی متوسط و ۱۰ درصد نیز از پیوند اجتماعی بالا برخوردار بودند در صورتی که در گروه جوانان غیر مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر: ۸ درصد از پیوند اجتماعی پایین، ۴۰ درصدشان از پیوند اجتماعی متوسط و ۵۲ درصدشان نیز از پیوند اجتماعی بالایی برخوردار بودند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر جوانانی که مبتلا به سوء استفاده از مواد مخدر نبودند، دارای پیوند اجتماعی متوسط و بالا هستند در حالیکه بیشتر جوانانی که مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر بودند از پیوند اجتماعی متوسط و پایین برخوردار بودند. بدین ترتیب رابطه پیوند اجتماعی و سوء مصرف مواد مخدر با توجه به میزان $X^2 = 60/020$ و با درجه آزادی ۲ در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) معنادار است. بدین ترتیب فرضیه فوق مورد تایید است.

کل		غیر مبتلایان		مبتلایان به سوء مصرف مواد مخدر		سوء مصرف مواد مخدر
درصد(%)	فراوانی (F)	درصد(%)	فراوانی (F)	درصد(%)	فراوانی (F)	پیونداجتماعی
۳۴٪	۶۸	۸٪	۸	۶۰٪	۶۰	پایین
۳۵٪	۷۰	۴۰٪	۴۰	۳۰٪	۳۰	متوسط
۳۱٪	۶۲	۵۲٪	۵۲	۱۰٪	۱۰	بالا
۱۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰٪	۱۰۰	۱۰۰٪	۱۰۰	جمع
سطح معناداری (Sig): ۰/۰۰۰		درجه آزادی (df): ۲		مقدار χ^2 : ۶۰/۰۲۰		آماره

• فرضیه: بین میزان دل بستگی جوانان و سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. چنانچه مطالب جدول نیز نشان می دهد ۵۵ درصد جوانان مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر دل بستگی پایین، ۲۶ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد دل بستگی بالایی به خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی دارند. این در حالیست که ۸ درصد جوانان غیر معنادار دارای دل بستگی پایین، ۴۴ درصد دارای دل بستگی متوسط و ۴۸ درصد دارای دل بستگی بالایی به مسائل یاد شده هستند. با توجه به میزان کی دو (۶/۵۲۵) با درجه آزادی ۳ و سطح معناداری ۰/۰۱۷ مشخص می شود که بین میزان دل بستگی فرد با خانواده و نهادهای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب میزان دل بستگی جوانان بدون ابتلا به سوء مصرف مواد مخدر نسبت به جوانان مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر بسیار بیشتر است. به نظر هیرشی کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، آسایش خاطر آنان را در نظر می گیرند و سعی می کنند انتظارات آنان را بر آورده سازند و اگر فردی نسبت به این تمایلات بی تفاوت باشد در این صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده و خود را آزاد می بیند که مرتکب انحراف شود. لذا مبتلایان به سوء مصرف مواد مخدر از میزان دل بستگی پایینی نسبت به غیر مبتلایان برخوردارند.

کل		غیر مبتلایان		مبتلایان		سوء مصرف مواد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	مخدر
۳۱/۵	۶۳	۸	۸	۵۵	۵۵	میزان دل‌بستگی
۳۵	۷۰	۴۴	۴۴	۲۶	۲۶	پایین
۳۳/۵	۶۷	۴۸	۴۸	۱۹	۱۹	متوسط
۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	بالا
سطح معناداری (sig)		درجه آزادی (df)		مقدار X^2		آماره
۰/۰۱۷		۳		۶/۵۲۵		

• فرضیه: بین میزان تعهد جوانان و سوء مصرف مواد مخدر توسط آنها رابطه وجود دارد. اطلاعات جدول شماره ۳ حاکی از آن است که ۵۵ درصد مبتلایان دارای میزان تعهد پایین، ۲۶ درصد دارای میزان تعهد متوسط و ۱۹ درصد دارای میزان تعهد بالایی نسبت به میزان پذیرش اهداف جامعه هستند. این در حالی است که تنها ۱۰ درصد از افراد غیر مبتلا دارای میزان تعهد پایین، ۴۷ درصد متوسط و ۴۳ درصد دارای میزان تعهد بالایی نسبت به اهداف جامعه دارند. میزان آماره کی دو برابر با ۵/۴۰۲ است که با درجه آزادی ۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ معنادار است. بدین ترتیب طبق نظر هیرشی کسانی که در سطوح مختلف اجتماعی اعم از مدرسه، دانشگاه، خانواده و ... سرمایه گذاری بیشتری داشته باشند، میزان تعهدات این افراد به این مضامین نیز بیشتر است. لذا احتمال این که این گونه افراد به دام سوء استفاده از مواد مخدر کشیده شوند بسیار پایینتر از افرادی است که چنین تعهداتی را نسبت به جامعه ندارند. بدین ترتیب فرضیه فوق مورد تایید است و هرچه میزان تعهد و دل‌بستگی این افراد افزایش یابد به همین میزان نیز گرایش آنها به سوء مصرف مواد مخدر هم کمتر می شود و بالعکس. جدول شماره ۳ این ارتباط را بدرستی نشان می دهد.

کل		غیرمبتلایان		مبتلایان		سوء مصرف مواد مخدر میزان تعهد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۶	۷۲	۱۰	۱۰	۵۵	۶۲	پایین
۳۹	۷۸	۴۷	۴۷	۲۶	۳۱	متوسط
۲۵	۵۰	۴۳	۴۳	۱۹	۷	بالا
۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
سطح معناداری (sig)		درجه آزادی (df)		مقدار X^2		آماره
۰/۰۰۴		۳		۵/۴۰۲		

• فرضیه: بین میزان مشارکت جوانان و سوء مصرف مواد مخدر توسط آنها رابطه وجود

دارد.

جدول ۴: بررسی رابطه بین مشارکت و سوء مصرف مواد مخدر جوانان

کل		غیرمبتلایان		مبتلایان		سوء مصرف مواد مخدر مشارکت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۵	۷۰	۹	۹	۶۱	۶۱	پایین
۴۲	۸۴	۵۲	۵۲	۳۲	۳۲	متوسط
۲۳	۴۶	۳۹	۳۹	۷	۷	بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
سطح معناداری (sig)		درجه آزادی (df)		مقدار X^2		آماره
۰/۰۰۲		۳		۴/۱۸۰		

همچنانکه جدول فوق بیان می کند، برای سنجش رابط بین دو متغیر میزان مشارکت جوانان و سوء مصرف مواد مخدر توسط آنها از آماره کی دو بهره بردیم. چنانچه یافته ها نیز بیان می کنند، ۶۱ درصد افراد مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر دارای میزان مشارکت پایین، ۳۲ درصد دارای میزان مشارکت متوسط و ۷ درصد نیز دارای میزان مشارکت بالایی هستند. این درحالیست که تنها ۹ درصد غیر مبتلایان دارای مشارکت پایین، ۵۲ درصد میزان مشارکت متوسط و ۳۹ درصد دارای مشارکت بالایی هستند. از اینرو با توجه به میزان کی دو (۴/۱۸۰) و درجه آزادی ۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۲ بین این دو متغیر ارتباط معناداری وجود دارد. بدین ترتیب همچنانکه هیرشی نیز معتقد است، افرادی که در نقشها و فعالیتهای اجتماعی درگیری و مشارکت کمتری دارند، قطعاً فرصتهای ارتکاب جرم آنها نیز بیشتر است. لذا

Archive of SID

این افراد بیشتر به سمت فعالیتهای ضداجتماعی گرایش دارند. بدین ترتیب فرضیه فوق مورد تایید است و بین میزان مشارکت و درگیری افراد و ابتلای آنها به سوء مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. به تعبیری با کاهش میزان مشارکت افراد در فعالیتهای اجتماعی، گرایش به سمت سوء استفاده از مواد مخدر نیز بیشتر می شود.

• فرضیه: بین میزان اعتقاد جوانان و سوء مصرف مواد مخدر توسط آنها رابطه وجود دارد. آخرین فرضیه در مقاله پیش رو مربوط به وجود ارتباط بین میزان باور و اعتقاد افراد با سوء مصرف مواد مخدر توسط آنهاست. همچنانکه جدول شماره ۵ نیز نشان می دهد، برای تعیین وجود ارتباط بین این دو متغیر از آماره کی دو استفاده شد. یافته ها نشان می دهند که بین افراد معتاد ۵۸ درصد افراد دارای اعتقاد پایین، ۳۱ درصد دارای اعتقاد متوسط و ۱۱ درصد دارای اعتقاد بالایی هستند. در صورتیکه ۶ درصد افراد غیرمعتاد دارای اعتقاد پایین، ۴۱ درصد متوسط و ۵۳ درصد دارای اعتقاد بالایی هستند. این ارتباط با توجه به مقدار کی دو (۲/۰۳۵)، درجه آزادی ۳ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۹ درصد قابل تایید است. مطابق با چارچوب نظری تحقیق، میزان پابندی و اعتقاد فرد به قواعد اخلاقی، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و وفاداری به آنها، تاثیر بسزایی در انحراف افراد از قوانین و هنجارهای عرف جامعه دارد. با توجه به یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان باور و اعتقاد به هنجارهای اجتماعی، گرایش به سوء مصرف مواد مخدر نیز کمتر می شود و هرچه این باور و اعتقاد کمتر باشد، گرایش به سوء مصرف نیز بیشتر است و بالعکس.

جدول ۵: بررسی رابطه بین باور و اعتقاد و سوء مصرف مواد مخدر جوانان

سوء مصرف مواد مخدر		مبتلایان		غیرمبتلایان		کل
باور و اعتقاد		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین		۵۸	۵۸	۶	۶۴	۳۲
متوسط		۳۱	۳۱	۴۱	۷۲	۳۶
بالا		۱۱	۱۱	۵۳	۶۴	۳۲
جمع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰
آماره		مقدار X^2		درجه آزادی (df)		سطح معناداری (sig)
		۲/۰۳۵		۳		۰/۰۰۰



نتیجه گیری

سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد یکی از مشکلات عمده کشورهای در حال توسعه است. از آنجایی که این کشورها دارای جمعیت جوان هستند، بالطبع بیشتر در معرض خطر واقع می شوند. در این بین جوانان به عنوان عمده ترین و مستعدترین گروه در معرض خطر بیشتری قرار دارند. دامنه تأثیرات سوء مصرف مواد از آن رو حائز اهمیت است که عواقب وخیم آن تنها فرد مورد نظر را در بر نمی گیرد، بلکه معمولا خانواده، دوستان و همکاران نیز در معرض آثار ویرانگر آن قرار خواهند گرفت (چیریلو، ۱۳۷۸: ۱۵). درمان سوء مصرف مواد نیز پرهزینه، دشوار و طاقت فرسا است. بنابراین پیشگیری از سوء مصرف مواد می تواند در جلوگیری از تحمل هزینه های سنگین به اجتماع جلوگیری کند. سوء مصرف مواد مخدر وقتی در جامعه ای شیوع پیدا می کند هزینه های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را بر آن جامعه تحمیل می کند. با توجه به شرایط کنونی برای رفع این مشکل، نیازمند شناخت علل اجتماعی گرایش به آن هستیم که سعی شد تا در این مجال کوتاه به برخی از عوامل اجتماعی موثر در این زمینه اشاره گردد. چنانچه مشخص است سوء مصرف مواد مخدر یکی از حالات آنومی در جامعه است. در واقع آنومی حالت مبهمی است بین فرد و جامعه که در آن هنجارها یا از بین رفته اند یا ضعیف اند و یا باهم در تضادند، وقتی حالت بی هنجاری (آنومی) به سطح بالایی برسد، ممکن است جامعه با خطر متلاشی شدن مواجه گردد، چون اعضاء جامعه دیگر ارزشها و اهداف مشترکی را قبول ندارند، فرد در حالت بی هنجاری رهنمود رفتاری ندارد زیرا در این دو وضعیت، کمترین احساسی از تأثیر نظم اجتماعی بر خواش های شخصی و اعمال خویش ندارد. دورکیم معتقد است که در شرایط مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از طریق هنجارها، تنظیم و محدود شده است که با از هم پاشیدگی هنجارها (لذا از بین رفتن کنترل آرزوها) آنومی یا یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر بوجود می آید، از آنجایی که این آرزوهای بی حد و حصر طبعا نمی توانند ارضاء و اشباع شوند در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دایمی پدید می آید. سپس این نارضایتی در جریان های اقدامات اجتماعی منفی نظیر سوء مصرف مواد مخدر، خودکشی، اقدامات جنایی، طلاق و... ظاهر می گردند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۰-۱۸).

همانطوری که ملاحظه گردید در این پژوهش سعی کردیم مسئله سوء مصرف مواد مخدر جوانان را با نگاه جدیدی مورد کنکاش قرار دهیم. بنابراین برای پاسخگویی به سوال اصلی

Archive of SID

تحقیق که عبارت است از: «چه عواملی بر سوء مصرف مواد مخدر توسط جوانان موثر است؟» پس از مرور نظریات مربوط در این زمینه، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی به عنوان چارچوب نظری انتخاب گردید و فرضیات پژوهش از آن نظریه استخراج شد. هر کدام از ابعاد کنترل اجتماعی (پیوند اجتماعی) از قبیل دلبستگی با ۴ گویه، تعهد با ۴ گویه، مشارکت با ۴ گویه و باور و اعتقاد با ۳ گویه طراحی شدند و به طور جداگانه با متغیر سوء مصرف مواد مخدر توسط جوانان در ارتباط گذاشته شدند. پس از تهیه پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش، آنرا در بین ۱۰۰ نفر از جوانان معتاد (۲۹-۱۸) دارای پرونده در مرکز درمان و بازتوانی شهرستان اسلامشهر و ۱۰۰ نفر از جوانانی که از نظر خصوصیات مختلفی چون سن، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل و... با گروه آزمایش همگن شده بودند و گروه کنترل ما را تشکیل می دادند اجرا کردیم نتایج نشان داد که در هر کدام از ابعاد کنترل اجتماعی نمره جوانان غیر مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر بیشتر در دو طبقه متوسط و بالا قرار داشت. در صورتی که نمره جوانان مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر در هر کدام از ابعاد فوق بیشتر در دو طبقه متوسط و پایین قرار می گرفت و رابطه همه ابعاد پیوند اجتماعی با متغیر ابتلای جوانان به سوء مصرف مواد مخدر با توجه به مقدار X^2 و sig محاسبه شده معنادار بودند. به طور کل نتایج ذیل از جمله مهمترین یافته های این تحقیق بود:

۱- بین میزان پیوند اجتماعی (کنترل اجتماعی) و سوء مصرف جوانان از مواد مخدر رابطه معکوس وجود دارد. بدین معنی که اگر میزان پیوند اجتماعی آنها با جامعه بیشتر باشد احتمال ابتلا به اعتیاد آنها کمتر می شود و بالعکس اگر میزان پیوند اجتماعی جوانان با جامعه کمتر شود احتمال و میزان ابتلای آنها بیشتر می شود.

۲- علاوه بر فرضیه اصلی هر کدام از ابعاد پیوند (کنترل) اجتماعی (دلبستگی، تعهد، مشارکت، باور و اعتقاد) نیز رابطه معکوسی با سوء مصرف مواد مخدر داشتند. یعنی با افزایش میزان هر کدام از ابعاد مؤلفه پیوند اجتماعی (کنترل اجتماعی) احتمال و میزان ابتلای جوانان به سوء مصرف مواد مخدر کاهش می یابد و بالعکس.

ابتلا به سوء استفاده از مواد مخدر زندگی فرد را از هم می پاشد، نظام ارزشها، باورها و هنجارهای جامعه را مورد تهدید قرار می دهد، برای نگهداری فرد مبتلا خانواده و جامعه، هزینه های گزافی را تحمل می کنند. فرد نه تنها از تولید باز می ماند بلکه بار مالی سنگینی بر سبد هزینه خانواده و جامعه می افزاید و بالاخره زمینه آلودگی های اجتماعی و سایر



بزهکاریها و آسیب های اجتماعی را فراهم می سازد و در نهایت کیان جامعه را مورد تهدید قرار می دهد. بنابراین این موضوع به عنوان یک مسأله جدی، در جامعه انسانی مطرح است. با توجه به یافته های تحقیق این پژوهش توصیه می شود تا:

- ۱- خانواده و جامعه در مقابل بی تفاوتی جوانترها نسبت به مسائل خانوادگی، اجتماعی و... حساس باشند و هرگز اجازه ندهند پیوند اجتماعی جوانان با خانواده، جامعه قطع گردد.
- ۲- با بکارگیری انواع روشها جوانان را به مشارکت در مسائل خانوادگی و اجتماعی ترغیب کنند. چرا که در غیر این صورت با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق و تحقیقات مشابه احتمال ارتکاب اعمال انحرافی از قبیل اعتیاد و ... در بین جوانان افزایش می یابد. بنابراین وجود برنامه های پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و آگاه سازی جوانان بیش از پیش ضروری بنظر می رسد. و لازم است در پیشگیری از این آفت جامعه هر چه سریع تر و حساب شده تر برنامه های اجتماعی جدید و متفاوتی از راهکارهای قهرانه طرح ریزی و اجرا گردد.

- ۱- ریتزر، جرج (۱۳۸۰)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ۲- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳)، جامعه شناسی انحرافات، آسیب شناسی و جامعه‌ی، ج ۳، تهران، مرنديز.
- ۳- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)، گفتگو با روزنامه آفتاب، ۱۳ مهر ۱۳۷۹.
- ۴- مرتون، رابرت کینگ (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه شناسی، ترجمه نوین تولایی، تهران، امیرکبیر.
- ۵- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۲)، آسیب شناسی اجتماعی، «جامعه شناسی انحرافات اجتماعی»، تهران، نشر آن.
- ۶- معید فر، سعید (۱۳۷۹)، جامعه شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران، تهران، سرزمین ما.
- ۷- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۲)، جزوه درسی کارشناسی ارشد سمینار بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۸- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر آسیب های اجتماعی، تهران، آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، ج ۱، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۹- فرجاد، محمد حسین (۱۳۵۸)، جامعه شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی، تهران، انتشارات تربیت معلم.
- ۱۰- رثوفی، مریم، رضوی ماریا (۱۳۷۸)، راهنمای پیشگیری از اعتیاد، تهران، نشر مولفین.
- ۱۱- چیریلو، استفانو (۱۳۷۸)، اعتیاد به مواد مخدر در آینه روابط خانوادگی، ترجمه سعید پیرمرادی، نشر همام.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۴- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش.
- ۱۵- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۴)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، نشر آن.
- ۱۶- صفاتیان، سعید، روزنامه ابتکار، شماره ۱۳۵۰، ۱۳۸۷/۹/۵.
- ۱۷- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسن بهروان، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۸- ولد، جرج و همکاران (۱۳۸۰)، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت.
- ۱۹- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی (نظریه ها و دیدگاه ها)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران، انتشارات آن.
- ۲۱- هلاکوبی، فرهنگ (۱۳۵۶) جامعه امروز، ج ۱، چ ۱، تهران: [بی نا].
- ۲۲- سایت اینترنتی www.islamshahr.gov.ir.
- ۲۳- سایت اینترنتی www.mehrnews.ir.



۲۴- سایت اینترنتی www.irib.ir

۲۵- سایت اینترنتی www.forum.banianejavan.ir

- 1- Merton, R.K(1949), «Social Theory and Socail Structure», Newyork, free press.
- 2- Sutherland & E, R. Cressy(1955), «Principles of Criminology», 5edited, J. B. Lippincott.